

# انسان، اخلاق، خودرپی

| جواد دانش | استاد فلسفه و اخلاق

واحدی می بیند که در آن هر یک از انسان ها می گوشت تا از رنج و محنت دیگری بکاهد و این امر راز بیخشی از وظایف و تکالیف انسانی خود است.

اما در بخش دوم باید به این سوال پاسخ داد که مشکلات و موانع حیات اخلاقی انسان فارغ از این که انسان در چه جامعه ای زندگی می کند چیست؟ در این زمینه باید گفته زیست اخلاقی فرد یا این صومت‌ها لزوم خاصی خود را می طلبد. نخست تأسیس تیارهای اولیه انسان تا حدی که افراد جامعه دفعه بعد مستحیاجات ابتدایی و پوست خود از جمله خوراک و مسکن هستند، به‌طور طبیعی چندان انضامی به سوساخ عالی زندگی از جمله حیات اخلاقی نتوانند داشتند. با انسان‌ها چنانچه که در مقابل و انگیزهای معیشتی، جنسی و از اصول پیشین دینی یا اخلاقی چشم‌پوشی کرده و همت خود را صرف غلبه غرایز نامحسوس تر و از نظر آنها مهم‌تر می کنند. البته آشکار است که نه همه انسان‌ها درین حوایج اولیه فاقد فهم و کنش

**انسان و جامعه انسانی هنگامی رنگ و بوی اخلاق خواهد گرفت که معرفت به غلبه غرایزها و احکام اخلاقی همچون اراستگی خوب نیست، تأسیس تیارهای اولیه انسان تا حدی که افراد جامعه دفعه بعد مستحیاجات ابتدایی و پوست خود از جمله خوراک و مسکن هستند، به‌طور طبیعی چندان انضامی به سوساخ عالی زندگی از جمله حیات اخلاقی نتوانند داشتند.**

**انسان‌ها چنانچه که در مقابل و انگیزهای معیشتی، جنسی و از اصول پیشین دینی یا اخلاقی چشم‌پوشی کرده و همت خود را صرف غلبه غرایز نامحسوس تر و از نظر آنها مهم‌تر می کنند. البته آشکار است که نه همه انسان‌ها درین حوایج اولیه فاقد فهم و کنش**

انسانی است و نه تمام انبیا که از این کاستی‌ها و کمبودها و از امانت و وفاداری و پاکدامنی و بلکه سخن در قدامت‌های است که اصولاً امر را بر می‌دارد. انسان‌ها متعلق به آن است. دوم: رعایت عزت و کرامت انسان‌ها نقش مهمی در زیست اخلاقی افراد دارد. در حدیث مشهوری از امام هادی(ع) نقل است که: «ما من جسدان علیه نفسه فلا تلمن شریه» (تخلف‌المقول، ص ۲۸۳). بنابراین انسان در جامعه‌ای که منزلت و کرامت انسان‌ها پاس داشته نمی‌شود و تعاملات اجتماعی با سبایت حاکمان چندان التفاتی بدان ندارد خواه‌ناخواه زمینه رشد انسان‌ها در کار قرار فراهم می‌آید.

سوم: تهدید مهم دیگری که ضروری زندگی اخلاقی قرار دارد مسأله مهم «خودرپی» است. انسان‌ها همان‌که در این راستا نتوانند به تعهد و انضام عملی در برابر خود و دیگران عمل کنند، در نتیجه سبب بروز مشکلات اخلاقی می‌شوند. در این باره می‌توان گفت که انسان‌ها در این راستا نیز از اصول اخلاقی و تعهدات اخلاقی برخوردارند. در این راستا نیز از اصول اخلاقی و تعهدات اخلاقی برخوردارند.



# اخلاق شالوده است

مهم‌تر از بررسی پیوند زندگی و اخلاق است که چاره‌های هم‌بستگی و زیست اخلاقی در تمام این سال‌ها، پندار آسان در این امکان‌پذیر شد. در معضل اساسی در این زمینه وجود دارد. اول این که انسان‌ها فهم برستی از زیست اخلاقی در دوره جدید ندارند و بسیاری از امور در دوره جدید تیارهای اخلاقی را کنار زده و به همین دلیل انسان‌ها خیلی از امور جایگزین اخلاق شده است. به‌طور مثال رفاه و معیشت اخلاقی جلوه داشت و افراد تصور می‌کنند این گونه نیست که تنها معنویات را می‌توانند اهمیت اخلاقی را می‌فهمند و وظیفه‌شان جاری کردن اخلاق در جامعه باشد. در واقع اخلاق در جامعه‌های مدرن مشکل نبودن اخلاق است نه نبودن تروت و قدرت. همچنان که تروت را باید بر اساس اخلاق ترک کرد

مورد بررسی است نشان از بروز مشکلاتی در این زمینه و دغدغه ما دارد که باید دوباره دنبال اخلاق برویم. اما از سوسوی، مشکل این است چیزی که تعمیر به زندگی می‌کنیم از نگاه اخلاقی زندگی نیست. زندگی در چارچوب اخلاقی تعریفی دارد و در نهایت جدید، زیست اخلاقی راه درمان بحران زندگی است. بنیادی‌ترین امری که باید به آنها توجه شوند، دو مورد است. نخست این که فهم درست از زیست اخلاقی شکل بگیرد و دوم این که انسان‌ها متوجه جایگاه و اهمیت اخلاقی در زندگی شوند. در بسیاری از موارد در انسان‌ها نگاه اخلاقی را کنار می‌زنند و تصور می‌کنیم که برنده هستیم در حالی که کنار گذاشتن اخلاق یعنی بازنده و محروم شدن از این چیزی است که ما فهم به دست از اخلاق شکل می‌گیرد. قدرت، حکومت، سیاست و عدالت اجتماعی اگر در چارچوب زندگی اخلاقی نباشند، می‌توانیم زندگی امروزه جامع از فنان اخلاقی رنج می‌برد چرا که ما در دوری‌ها، مناسبات، تلاش‌ها و فعالیت‌هایمان توجه نمی‌کنیم که اخلاق چه فعالیت‌هایی در حالی که مهم‌ترین مسأله ما مسأله اخلاق است. به همین دلیل باید بازگویی جدیدی درباره جایگاه اخلاقی در جامعه صورت بگیرد و بینیم آیا با مراجعه به اخلاق و به‌ویژه اخلاق می‌توانیم زندگی



از زمانی که فیلسوفان پیوند میان اخلاق و زندگی را مطرح کردند، دو مفهوم اساسی شکل گرفت. یکی این که چگونه می‌شود زندگی انسانی را بر اخلاق استوار کرد و دوم این که چه چیزی اخلاقی تلقی می‌شود. بر تروت این دو پرسش بود که جستجوی اخلاقی در مفهوم سعادت، پرافتخار جلوه کرد. در نگاه اول این دو مفهوم صرفاً مفاهیمی فیلسوفانه بودند اما زمانی که با زندگی پیوند پیدا کرد، به گونه‌ای که تروت زندگی اخلاقی در جامعه پیوند خورد به تدریج شد. جستجوی اخلاقی، اجتماعی و اخلاقی تبدیل می‌شود. این همان ابتدا به بررسی بسیار مهم تبدیل شد که توجه بسیاری از متفکران و فیلسوفان را به خود معطوف کرده بود. امروز وقتی از پیوند زندگی و اخلاق به‌عنوان زیست اخلاقی حرف می‌زنیم، نشان می‌دهد بشر تاکنون نتوانسته است راه دستانایی به زیست اخلاقی و اصول و قواعد دستانایی به آن پیدا کند. لذا طبیعت است که در جامعه بشری اخلاق همچنان مورد توجه باشد زیرا زیست بدون اخلاق امکان ندارد. زندگی کردن با تروت و بدون آن با اندیشه و بدون اندیشیدن امکان‌پذیر است اما جامعه انسانی در زندگی در این راستا امروزه از فقدان زیست اخلاقی محبت می‌کوشد. انسان می‌دهد یا بحرانی در زمینه اخلاق و همچنین یعنی از پایان سنده شادهم تاکنون، اخلاق گمشده زندگی بشری بود اما این عامل حلال در زندگی انسان‌ها کمتر جا دارد. این پرسش

## مردم می‌ترسند خود واقعی‌شان را نشان دهند



را انجام می‌دهیم. این درحالی است که به نظر می‌رسد میان علم و معرفت عامل و دستور فعل از وی تناسلی وجود دارد و در اساس انسان‌ها مطابق علم خود عمل می‌کنند. موفقی‌ها که در این‌جا و در کنار «ضعف اخلاقی» تأثیر دارد بوده عبارتست از «خودرپی» عامل اخلاقی و ایجاد باورهای در تضاد با باورهای اولیه خود یعنی فرد می‌گوید تا به نحوی خود را فریفته و از کمند باورهای حقیقی و باعقل خود دور گرداند تا بدین ترتیب زمینه میل و انگیزش ثانوی نسبت به افعال دلخواهش فراهم آید. بدیهی است که زمینه‌های روانشناختی دینی و سیاسی نیز در ایجاد این موفقه بسیار تأثیرگذارند.

چهارم: عنصر بسیار مهم دیگر تخلی خنجان جامعه، عدم احترام و عالمان، به هنجارهای اخلاقی است. اگر در یک جامعه به دلیل (که) افراد چندین مسأله وجود نیست) طبقه نخبه جامعه به خود اجازه دهند که به‌طور مثال صداقت، عدالت یا خضوع را برای تحمیل اهدافی چون مصلحت، شأن اجتماعی و... نادیده بگیرند و به بیان دقیق‌تر نظام اخلاقی را از خود تعریف کنند، در نتیجه تروت مردم نیز به‌تدریج هنجارهای متعارف اخلاقی رنگ می‌بازد چرا که مردم نه فقط به پرسش که بر خلق و خشن‌ملوک و بزگان خود هستند، طبیعتی است که چنین نیکبانی ناگزیر موقوفات دیگری چون سیاست، فلسفه و... را نیز از منظر اخلاقی خواهند نگریست.

را بر اساس یک استاندارد درست و صحیح تربیت می‌کنیم. استانداردی که بتواند هر آنچه قبیح و نادرست است از درون انسان دور کند و ارتباط با همتون را بهبود بخشد. مثلا صفتی مانند باخلاق در نظر بگیرد. حسادت از جمله ویژگی‌های ناپسندی است که رابطه فرد با دیگری را خراب می‌کند و درصدد تخریب کسی می‌رود که کسی بالاتر از خود است. برعکس اگر این ویژگی از انسان دور شود، می‌تواند کمک‌کننده به افرادی باشد که در جایگاهی پایین‌تر قرار دارند. اخلاق دقیقاً به بررسی‌های اخلاقی می‌شود که می‌تواند باعث به وجود آمدن حسنه‌های زیادی در افراد باشد و آنها را درون انسان تکثیر کند. اما جامعه امروزی ما متأسفانه دچار یک بی‌اخلاقی شده که آسیب‌های اجتماعی هر روز آن را شدت می‌بخشد. کافی است نگاهی به آمار زد و خود زد و این چندسال اخیر نگاهی بیندازد و بگیرد قتل‌های با شدت که در جامعه روز به روز بیشتر می‌شود. منشأ تمامی این اتفاقات به‌علاوه بالا رفتن خسوفت در جامعه است که کمالات‌های خدا خلقی به‌حساب می‌آید. در زندگی امروزی این طور گردنیش است که در اوقات دولتی همین مسأله این که هنگام گردنیش از فرد می‌پرسند به نماز جمعه می‌روید؟ امکان دارد این سوال را کسی که مدتی معیشت دارند و نیاز دارند تا کاری داشته باشند به دروغ جواب مثبت بدهند و همین می‌تواند رواج‌دهنده دروغ در مردم باشد که مدام به استیغوبی تشویق می‌شوند. با درمورد مسأله حجاب، وقتی قرار است دانشجویان را به حجاب دعوت کنیم این کار را از طریق هسته‌های کار در دانشگاه انجام می‌دهیم. روش‌های روستی انجام نمی‌شود. همین امروز باعث شده تا برخی افراد در دانشگاه‌ها تظاهر به حجاب کنند و در بحث‌های دیگر زندگی هر طور که خواستند رفتار کنند. اما مسأله مهم دورویی و ریاکاری را تشدید می‌کند و نظام اخلاقی جامعه به هم می‌خورد. در صورتی که اگر جامعه طوری باشد که افراد خود واقعی‌شان را نشان دهند و هیچ گونه تحمیل عقاید وجود نداشته باشد، مسیر جامعه طوری طی می‌شود که زندگی اخلاقی یک عکس در جامعه زندگی می‌شود و دیگر کسی برای درست زندگی کردن و نشان دادن خود واقعی خودش بر کسی از اخلاقیات را زیر پا نمی‌گذارد.

اخلاق دقیقاً به بررسی‌های اخلاقی می‌شود که می‌تواند باعث به وجود آمدن حسنه‌های زیادی در افراد باشد و آنها را درون انسان تکثیر کند. اما جامعه امروزی ما متأسفانه دچار یک بی‌اخلاقی شده که آسیب‌های اجتماعی هر روز آن را شدت می‌بخشد. کافی است نگاهی به آمار زد و خود زد و این چندسال اخیر نگاهی بیندازد و بگیرد قتل‌های با شدت که در جامعه روز به روز بیشتر می‌شود.



تلاش برای حجاب در تهران